



University of Tehran Press

Conditions for government intervention in the private life of citizens from the perspective of the European Convention on Human Rights

Mohammadmehdi Barghi¹✉

1. Assistant Prof, Department of Law, Faculty of Islamic Studies, Meybod University, Meybod, Iran.
Email: mmehdibarghi@yahoo.com

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Pages: 1-18</p> <hr/> <p>Received: 2021/10/31</p> <p>Received in revised form: 2022/04/11</p> <p>Accepted: 2022/05/22</p> <p>Published online: ----/--/--</p> <hr/> <p>Keywords: <i>Compliance with the law, European Court of Human Rights, private life, European Convention on Human Rights, Legitimate intervention.</i></p>	<p>One of the most challenging issues in the legal and political systems of countries is to consider a mechanism that can create a reasonable balance between protecting the interests of society on the one hand and respecting the private life of citizens on the other. Article 8 of the European Convention on Human Rights addresses this issue. In paragraph one of this article, the Contracting States are obliged to respect the private life of their citizens and in Paragraph two, while prescribing the interference of governments in the private life of citizens in certain circumstances, enumerates the requirements for this. The present study addresses the question of what is the meaning of private life in Article 8 of the European Convention on Human Rights and what are the requirements set forth in paragraph 2 of Article 8 of the Convention which allows governments to interfere in the private life of citizens? The study conducted in this article showed that private life is a broad and dynamic concept according to the European Convention on Human Rights, which encompasses various dimensions and is updated in accordance with cultural and social changes. The interference of the Contracting States in the private life of its citizens shall be permitted only if it is lawful, pursues a legitimate aim and is deemed necessary in the eyes of a democratic society.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Barghi, Mohammadmehdi (2023). Conditions for government intervention in the private life of citizens from the perspective of the European Convention on Human Rights. <i>Public Law Studies Quarterly</i>, -- (--), 1-18. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.333240.2925</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/JPLSQ.2022.333240.2925</p>
<p>Publisher</p>	<p>University of Tehran Press.</p>





شروط دخالت دولت در زندگی خصوصی شهروندان از منظر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

محمد مهدی برغی ✉

۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، میبد، ایران. رایانامه: mmehdibarghi@yahoo.com

چکیده	اطلاعات مقاله
یکی از موضوعات چالش برانگیز در نظام‌های حقوقی و سیاسی کشورها، در نظر گرفتن سازوکاری است که بتواند موازنه‌ای منطقی بین حفظ منافع جامعه از یک سو و احترام به زندگی خصوصی شهروندان از سوی دیگر ایجاد کند. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در ماده ۸ خود به این موضوع پرداخته است. در بند ۱ این ماده دولت‌های متعاقد مکلف به احترام به زندگی خصوصی شهروندان شده‌اند و در بند ۲ ضمن تجویز دخالت دولت‌ها در زندگی خصوصی شهروندان در شرایط خاص، اقتضائاتی برای این امر برشمرده است. پژوهش حاضر به این پرسش می‌پردازد که مفهوم زندگی خصوصی در ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر چیست و اقتضائات پیش‌بینی شده در بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون که به دولت‌ها اجازه دخالت در زندگی خصوصی شهروندان را می‌دهد کدام‌اند؟ مطالعه انجام گرفته در این مقاله نشان داد که زندگی خصوصی از نظر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مفهومی گسترده و پویا است که ابعاد گوناگونی را در بر گرفته و متناسب با تغییرات فرهنگی و اجتماعی به‌روز می‌شود. دخالت دولت‌های متعاقد در زندگی خصوصی شهروندان نیز فقط در صورتی مجاز خواهد بود که متناسب با قانون باشد، هدفی مشروع را دنبال کند و از نظر یک جامعه دموکراتیک، ضروری تلقی شود.	<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۱-۱۸</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۹</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۱/۲۳</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ---/--/--</p> <p>کلیدواژه‌ها: تناسب با قانون، دادگاه اروپایی حقوق بشر، زندگی خصوصی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مداخله مشروع.</p>
برغی، محمد مهدی (۱۴۰۲). شروط دخالت دولت در زندگی خصوصی شهروندان از منظر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، (—)، ۱-۱۸. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.333240.2925	استناد
10.22059/JPLSQ.2022.333240.2925	DOI
	ناشر مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

حریم خصوصی که از آن با عنوان حق خلوت و با خود بودن نیز تعبیر می‌شود، مفهومی است که تاکنون تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است. در تعریف مختصر و جامع می‌توان حریم خصوصی را حق اشخاص بر اینکه بتوانند آزادانه در خصوص امور مختلف زندگی خود تصمیم بگیرند و از هرگونه دخالت ناروا توسط اشخاص، نهادها و دولت‌ها در این تصمیم‌گیری مصون باشند، دانست (محسنی و میرعماد، ۱۳۹۸: ۲۵۲). رعایت حریم خصوصی افراد در نظام‌های حقوقی مختلف به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر پذیرفته شده است، ولی گاه تأمین منافع جامعه چنین اقتضا دارد که دولت‌ها به مداخله در این حق پردازند.

یکی از اسنادی که به تفصیل به شرایط این مداخله پرداخته، «کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی»^۱ است. اهمیت این سند بین‌المللی که از این پس در جهت رعایت اختصار از آن با عنوان «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»^۲ نام می‌بریم، از آن روست که اولاً به‌عنوان سند مادر و الگویی برای نظام قانون‌گذاری کشورهای متعاقد این کنوانسیون محسوب می‌شود و ثانیاً از یک بازوی اجرایی یعنی «دادگاه اروپایی حقوق بشر»^۳ برخوردار است که در مقام رسیدگی به دعاوی و شکایات مطروحه توسط شهروندان کشورهای متعاقد از تصمیمات و اقدامات این دولت‌ها، آرای صادر می‌کند که به شکل‌گیری رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر منجر می‌شود و این رویه قضایی، تا حدود زیادی نقش مکمل و مفسر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را ایفا می‌کند.^۴

«کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» در ماده ۸ به موضوع حریم خصوصی پرداخته است. در بند ۱ این ماده، کنوانسیون با استفاده از عبارت «زندگی خصوصی»^۵ که مفهومی گسترده‌تر از «حریم خصوصی»^۶ است، بر لزوم احترام گذاشتن به زندگی خصوصی شهروندان توسط دولت‌های متعاقد تأکید کرده است. در این بند چنین آمده است: «هر کس حق دارد که به زندگی خصوصی، علقه خانوادگی، مسکن و مکاتبات خصوصی او احترام گذاشته شود». کنوانسیون در ادامه و در بند ۲ ماده ۸ ضمن تجویز امکان دخالت دولت‌ها در زندگی خصوصی شهروندان در شرایط خاص، به بیان مقتضیات لازم برای جواز چنین مداخله‌ای می‌پردازد. بند ۲ در این زمینه ۲ مقرر کرده است: «در اجرای این حق، هیچ نوع مداخله‌ای از

1. The European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms

۲. برای مطالعه بیشتر درباره این سند ر.ک: احمدی نژاد و امین‌الرعايا، ۱۳۹۵: ۹۳-۱۱۸.

3. European Court of Human Rights

۴. برای مطالعه بیشتر در خصوص این دادگاه و چگونگی عملکرد آن ر.ک: شریفی طراز کوهی و مبینی، ۱۳۹۳: ۷۳-۱۰۴.

5. Private Life

6. Privacy

سوی یک مرجع دولتی صورت نمی‌پذیرد، مگر مطابق قانون و نیاز یک جامعه دموکراتیک در جهت مصالح امنیت ملی، امنیت عمومی یا رفاه اقتصادی کشور یا در جهت پیشگیری از بی‌نظمی یا بروز جرم یا در حمایت از سلامت یا اخلاق یا برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران.»

با این توصیف، پژوهش حاضر بر آن است که به این پرسش‌ها پاسخ دهد که مفهوم زندگی خصوصی از منظر «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» چیست؟ این مفهوم کدام ابعاد و حوزه‌های زندگی آدمی را در برمی‌گیرد؟ دولت‌ها در چه شرایطی مجاز به مداخله در زندگی خصوصی شهروندان خواهند بود؟ حد و مرز این مداخله تا کجاست؟ برای پاسخگویی به این پرسش‌ها، ابتدا به بررسی مفهوم زندگی خصوصی و مصادیق آن از دیدگاه «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» خواهیم پرداخت. آنگاه شرایط و اقتضائاتی را بررسی خواهیم کرد که در بند ۲ ماده ۸ برای تجویز دخالت دولت‌ها در زندگی خصوصی افراد پیش‌بینی شده است.

۲. مفهوم زندگی خصوصی

بند ۱ ماده ۸ «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» چهار حق را برای شهروندان به رسمیت شناخته و دولت‌های متعاقد را ملزم کرده است که تأمین این حقوق را برای شهروندان خود تضمین کنند (Harris & Miles, 2011: 6). این چهار حق عبارت‌اند از: زندگی خصوصی، زندگی خانوادگی، مسکن و مکاتبات خصوصی. «دادگاه اروپایی حقوق بشر» در آرای خود به تعیین معنا و مفهوم این حقوق چهارگانه پرداخته است. رویه «دادگاه» در این موارد استفاده از شیوه مصادیقی به جای تعریف مفهومی است؛ یعنی به جای ارائه تعریفی از معنا و مفهوم این عبارات، در زمان رسیدگی به هر پرونده خاص، مشخص می‌کند که آیا موضوعی که مورد شکایت قرار گرفته است، از مصادیق این حقوق چهارگانه محسوب می‌شود یا خیر.

بر همین اساس «دادگاه اروپایی حقوق بشر» هرگز تعریف دقیق و روشنی از معنای زندگی خصوصی ارائه نداده است. «دادگاه» در پرونده «کاستلو علیه پادشاهی متحده بریتانیا»^۱ تصریح کرد که زندگی خصوصی مفهوم گسترده‌ای است که امکان ارائه تعریف جامعی از آن وجود ندارد (Mole, 2007: 59). با وجود این واضح است که مفهوم «زندگی خصوصی» از نظر «دادگاه» بسیار گسترده‌تر از مفهوم «حریم خصوصی» است و حوزه‌ای را در برمی‌گیرد که در آن هر فرد می‌تواند شخصیت خود را هم در ارتباط با دیگران و هم در ارتباط با جهان خارج آزادانه رشد دهد. «دادگاه» در پرونده «نیمتز علیه آلمان»^۲ وجه تمایز بین دو مفهوم «زندگی خصوصی» و «حریم خصوصی» را این‌گونه توضیح داد:

1. Cosrello-Roberts v. the United Kingdom

2. Niemietz v. Germany

«محدود کردن مفهوم [زندگی خصوصی] به یک «دایره درونی» که در آن فرد قادر است زندگی شخصی خود را همان‌طور که می‌خواهد انتخاب کند و جهان خارج به‌طور کامل خارج از آن حلقه قرار گیرد، بسیار مضیق خواهد بود. احترام به زندگی خصوصی باید تا حدی شامل حق برقراری و توسعه روابط با سایر انسان‌ها نیز باشد.»

بنابراین از منظر «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» برخلاف حریم خصوصی که یک مفهوم مضیق و محدود است و صرفاً مسائل شخصی و درونی فرد را در برمی‌گیرد، زندگی خصوصی مفهوم موسع و گسترده‌ای است که علاوه بر مسائل شخصی و درونی افراد، لزوماً شامل حق توسعه روابط ایشان با افراد دیگر و جهان خارج است (Brems, 2012: 331). بر این اساس می‌توان گفت که از منظر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، «زندگی خصوصی» مفهومی اعم از «حریم خصوصی» است. در واقع زمانی که ماده ۸ کنوانسیون به حمایت از «زندگی خصوصی» شهروندان می‌پردازد، اصطلاح «زندگی خصوصی» از یک سو شامل مفهوم «حریم خصوصی» است که به ابعاد شخصی و درونی زندگی انسان‌ها مربوط می‌شود و از سوی دیگر ابعاد اجتماعی زندگی انسان‌ها و روابط او با سایر شهروندان را نیز در برمی‌گیرد. به هر روی از آنچه گفتیم چنین استنباط می‌گردد که «دادگاه اروپایی حقوق بشر» در آرای خود کوشیده است خود را از قیدوبندهای ناشی از ارائه یک تعریف مضیق و محدود از «زندگی خصوصی» رها سازد و به‌جای آن، با در نظر گرفتن واقعیات هر پرونده و شرایط فرهنگی و اجتماعی خاص مربوط به آن، به مفهوم «زندگی خصوصی» معنایی مستقل ببخشد. این انعطاف‌پذیری «دادگاه»، اجازه می‌دهد تا تحولات اجتماعی، حقوقی و مربوط به فناوری در تعیین مفهوم «زندگی خصوصی» استفاده شود.

۱.۲. دایره شمول زندگی خصوصی

تعیین اینکه آیا یک موضوع خاص، از مصادیق مفهوم «زندگی خصوصی» مذکور در بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر محسوب می‌شود یا نه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. علت این مسئله نیز آن است که اگر آن موضوع جزء مصادیق مفهوم «زندگی خصوصی» محسوب شود، خودبه‌خود تضمینات پیش‌بینی‌شده در بند ۲ ماده ۸ نسبت به آن اعمال می‌شود و دخالت دولت در آن حوزه بدون مجوزهای مذکور در این بند امکان‌پذیر نخواهد بود. بدیهی است که اگر موضوع موردنظر جزء مصادیق مفهوم «زندگی خصوصی» محسوب نشود، از تضمینات پیش‌بینی‌شده در بند ۲ نیز برخوردار نخواهد بود (Gerards, 2019: 114).

دادگاه اروپایی حقوق بشر» در آرای که صادر کرده، ابهامات موجود در خصوص بعضی از این

موضوعات را برطرف کرده است. بر این اساس مواردی نظیر حق پایان دادن اختیاری به زندگی^۱، حق تغییر در جنسیت^۲، حق انتخاب نام یا تغییر آن^۳ و حق ممنوعیت انتشار تصاویر شخص بدون رضایت او^۴ جزء موضوعات چالش برانگیزی بوده است که «دادگاه اروپایی حقوق بشر» در آرایه‌ای که در سال‌های اخیر صادر کرده است، آنها را تحت شمول مفهوم «زندگی خصوصی» مذکور در بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون

۱. این مسئله در دعوی «پرتی علیه پادشاهی متحده بریتانیا» در سال ۲۰۰۲ در دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح شد. در این پرونده متقاضی که از تأثیرات مخرب یک بیماری صعب‌العلاج رنج می‌برد، با طرح دعوایی، خواستار حق پایان دادن به زندگی خود با کمک همسرش شد. متقاضی مدعی بود حق تصمیم‌گیری راجع به زمان و چگونگی پایان حیات، باید به‌عنوان بخشی از مفهوم «زندگی خصوصی» تلقی شود و بنابراین دولت طرف شکایت بدون احراز مجوزهای مذکور در بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون حق دخالت در این موضوع و ایجاد ممنوعیت برای متقاضی در این حوزه را ندارد. دادگاه پذیرفت که موضوع شکایت از مصادیق مفهوم «زندگی خصوصی» مذکور در بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون است (Herring, 2020: 553). در مورد مفهوم اتانازی و دیدگاه‌های مختلف راجع به آن همچنین ر.ک: همتی، ۱۳۹۰: ۱۵۹-۱۸۰.

۲. دادگاه در پرونده «ون کوک علیه آلمان» تصریح کرد که در نظر نگرفتن آزادی شخص در تعریف خود به‌عنوان زن یا مرد برخلاف کنوانسیون خواهد بود (Marshall, 2014: 104). بنابراین حق تغییر جنسیت و نیز حق به رسمیت شناختن حقوق ناشی از تغییر جنسیت مانند تغییر نام و صدور اوراق هویتی منعکس‌کننده جنسیت جدید فرد از مصادیق حق احترام به «زندگی خصوصی» مذکور در بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون محسوب می‌شود (M.Scherpe, 2016: 62).

۳. این موضوع که آیا حق انتخاب نام و نام خانوادگی از مصادیق مفهوم «زندگی خصوصی» مذکور در بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون قرار می‌گیرد یا نه، اولین بار در اوایل دهه ۱۹۹۰ در پرونده «بورگارتز علیه سوئیس» توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر بررسی شد. در این پرونده دادگاه به صراحت اظهار داشت که علی‌رغم صریح نبودن ماده ۸ در این باره، اما حق انتخاب آزادانه نام - به‌عنوان وسیله‌ای برای شناسایی شخص و پیوند او با خانواده - باید به‌عنوان مصادیقی از مفهوم «زندگی خصوصی» در نظر گرفته شود (Brems, 2012: 124). همچنین در پرونده «گوبلت علیه فرانسه» که مربوط به امتناع مقامات فرانسوی از ثبت نام دختر متقاضی با نام فلور د ماری به دلایل مذهبی بود، دادگاه توضیح داد که انتخاب نام کودک توسط والدین یک مسئله شخصی و عاطفی است و بنابراین در حوزه «زندگی خصوصی» آنها قرار می‌گیرد (Kilkelly, 2017: 113).

۴. دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده «نیکولاییشویلی علیه گرجستان» به تصمیم‌گیری درباره اینکه انتشار عکس شخص بدون رضایت او در چارچوب مفهوم «زندگی خصوصی» قرار می‌گیرد یا خیر پرداخت. در این پرونده دولت گرجستان اقدام به انتشار عکس شخص متقاضی در محل‌های عمومی شامل چندین ایستگاه پلیس در مناطق مختلف کشور کرده بود. دادگاه تأکید کرد که تصویر یک شخص، خصوصیات منحصر به فرد او را نشان می‌دهد و مربوط به شخصیت اوست. لذا حفاظت مؤثر از تمامیت جسمانی و روانی فرد مستلزم آن است که هنگام گرفتن عکس از شخص و انتشار آن، رضایت شخص موردنظر گرفته شود. بنابراین انتشار تصاویر شخص بدون رضایت او مداخله در «زندگی خصوصی» وی محسوب می‌شود (Rainey et al., 2017: 376).

اروپایی حقوق بشر دانسته و از این رو هرگونه دخالت دولت‌های متعاقد در این حوزه‌ها را منوط به رعایت تضمینات پیش‌بینی‌شده در بند ۲ این ماده دانسته است.

نکته‌ای که در این قسمت باید بدان توجه داشته باشیم آن است که اگرچه از نظر «دادگاه اروپایی حقوق بشر» مفهوم زندگی خصوصی، مفهومی گسترده است، نمی‌توان دایره این مفهوم را به اندازه‌های گسترش داد که هرگونه ممنوعیت پیش‌بینی‌شده در قوانین کشورهای متعاقد را به منزله دخالت در زندگی خصوصی شهروندان و در نتیجه نقض ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تفسیر کرد. نمونه بارز در این زمینه دعوی «فرند و دیگران علیه پادشاهی متحده بریتانیا»^۱ است. در این دعوا شاکیان مدعی شدند که قوانین ناظر بر ممنوعیت شکار حیوانات در انگلستان، نقض حق زندگی خصوصی ایشان محسوب می‌شود. اما «دادگاه» چنین قضاوت کرد که علیرغم احساس آشکار لذت و رضایت شخصی شاکیان از شکار کردن و روابط دوستانه پایداری که از طریق آن بین ایشان ایجاد شده بود، دامنه چنین موضوعی بسیار گسترده و بیش از اندازه نامشخص بود تا بتوان حق شکار کردن را از مصادیق مفهوم «زندگی خصوصی» دانست. لذا دادگاه ممنوعیت شکار را به معنای نقض حق زندگی خصوصی شاکیان در ماده ۸ به‌شمار نیاورد (Scholtz, 2019: 63).

به هر روی در تمامی مواردی که شهروندان دولت‌های متعاقد، شکایتی مطرح کرده و مدعی دخالت نامشروع و خودسرانه دولت متبوعشان در رابطه با موضوعی که مربوط به «زندگی خصوصی» آنها بوده است، می‌شوند، دادگاه اروپایی حقوق بشر در گام اول به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا اساساً موضوع مورد شکایت از مصادیق «زندگی خصوصی» محسوب می‌شود یا نه؟ اگر پاسخ به این پرسش مثبت بود، دادگاه بررسی خواهد کرد که آیا دولت در مداخله خود، تضمینات مذکور در بند ۲ ماده ۸ را رعایت کرده است یا خیر. اما اگر دادگاه اساساً موضوع را از مصادیق «زندگی خصوصی» تشخیص ندهد، نوبت به بررسی مشروع یا نامشروع بودن دخالت دولت در آن موضوع نمی‌رسد.

۲.۲. عینیت یافتن زندگی خصوصی در حوزه‌های عمومی

زمانی که از نقض حق «زندگی خصوصی» اشخاص توسط دولت‌ها صحبت می‌کنیم، نباید تصور کنیم که این موضوع مستلزم آن است که مأموران و نمایندگان دولت لزوماً وارد شخصی‌ترین مکان‌های زندگی فرد نظیر منزل مسکونی یا اتاق وی شوند. در بعضی موارد اقداماتی که دولت‌ها در مکان‌های عمومی

1. Friend and Countryside Alliance and Others v. the United Kingdom

انجام می‌دهند و رفتارهایی که با توجیه حمایت از منافع جامعه در ملأعام مرتکب می‌شوند، نقض حق «زندگی خصوصی» شهروندان تلقی می‌شود. برای نمونه دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده «گیلان و کوئنتین علیه پادشاهی متحده بریتانیا»^۱ استفاده نیروهای پلیس از قدرت‌های قهری به منظور بازرسی لباس و وسایل شخصی فردی را که در خیابان قدم می‌زند، به معنای تداخل در حق احترام به «زندگی خصوصی» او دانسته است (Ashworth & Zender, 2014: 56). در این پرونده دادگاه تأکید کرد که این واقعیت که جست‌وجو در یک مکان عمومی انجام می‌شود، مانع از تحقق مفهوم «زندگی خصوصی» مندرج در ماده ۸ کنوانسیون نمی‌شود. در واقع از نظر دادگاه، ماهیت عمومی جست‌وجو ممکن است در موارد خاص حتی میزان مداخله در «زندگی خصوصی» را به دلیل وجود عنصر تحقیر و شرمندگی ناشی از انجام این کار در ملأعام افزایش هم بدهد.

در این زمینه همچنین باید توجه داشته باشیم که اقدامات متعددی که دولت‌ها برای محافظت از مردم در برابر خطرهای مختلف انجام می‌دهند، مانند اجباری کردن استفاده از کمربند ایمنی یا لزوم رعایت نکات ایمنی در مراکز صنعتی و همچنین انواع مصادیق درمان پزشکی اجباری از قبیل واکسیناسیون اجباری^۲ (Puppink, 2017: 30)، اجبار کردن افراد در معرض خطر به مصرف غذا^۳ (Birks & Douglas, 2018: 61)، انجام تحمیلی آزمایش خون و ادرار نسبت به رانندگان برای سنجش میزان مشروبات الکلی^۴ (Akrivopoulou & Psygkas, 2010: 145) و مانند آنها نیز در محدوده مفهوم «زندگی خصوصی» مذکور در بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قرار می‌گیرد. بدیهی است که این اقدامات مداخله‌گر دولت در «زندگی خصوصی» شهروندان، در غالب موارد بر اساس شرایط مذکور در بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون موجه و قابل قبول خواهند بود. در ادامه به بررسی این شرایط می‌پردازیم.

۳. شرایط لازم برای موجه بودن مداخله دولت‌ها در زندگی خصوصی شهروندان

بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، شرایطی را که تحت آن دولت‌های متعهد مجاز به دخالت در «زندگی خصوصی» شهروندان می‌شوند، برشمرده است. بر این اساس تنها دخالتی به‌عنوان دخالت مشروع شناخته خواهد شد که اولاً در انطباق با قانون باشد، ثانیاً یک هدف مشروع را دنبال کند و ثالثاً بر اساس معیارهای یک جامعه دموکراتیک لازم و ضروری شناخته شود. بر همین اساس هر زمان که یکی

-
1. Gillan and Quinton v. the United Kingdom
 2. Salvetti v. Italy
 3. Herczegfalvy v. Austria
 4. Peters v. the Netherlands

از شهروندان دولت‌های متعاقد، شکایتی از دولت متبوعش در ارتباط با نقض حق «زندگی خصوصی» او که دولت‌ها در بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون موظف به رعایت آن شده‌اند، مطرح کند، دادگاه اروپایی حقوق بشر در مقام رسیدگی به شکایت آن فرد، به بررسی این موضوع خواهد پرداخت که آیا دخالت دولت در آن موضوع، سه معیار پیش‌بینی‌شده در بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون را داشته است یا خیر. بدیهی است که در صورت فقدان هریک از این سه معیار، دادگاه دخالت دولت را نامشروع و خودسرانه تشخیص خواهد داد.

۱.۳. انطباق با قانون

در گام اول دادگاه اروپایی حقوق بشر به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا دخالتی که توسط دولت متعاقد در «زندگی خصوصی» شخص متقاضی صورت گرفته است، در مطابقت با قانون داخلی آن کشور قرار دارد یا خیر. در این زمینه دادگاه بررسی می‌کند که آیا اساساً مقررۀ قانونی در آن کشور وجود داشته است که اجازه چنین مداخله‌ای را در «زندگی خصوصی» شهروندان آن کشور بدهد. این شرط که خود ریشه در «اصل قانونی بودن» دارد، به این معناست که اگر در قوانین داخلی کشور متعاقد، هیچ مقررۀ قانونی وجود نداشته باشد که اجازه مداخلۀ دولت را در آن موضوع داده باشد، عمل دخالت قطعاً یک دخالت نامشروع و نقض ماده ۸ کنوانسیون محسوب خواهد شد. از نظر دادگاه اروپایی حقوق بشر، آیین‌نامه‌های اداری، دستورالعمل‌ها و هر مقررۀ دیگری که مقامات داخلی در تفسیر و چگونگی اجرای آنها دارای اختیارات بالایی باشند و عموم شهروندان نیز فاقد امکان دسترسی به آنها باشند، مبنای کافی برای تأمین شرط قانونی بودن مذکور در بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون را فراهم نمی‌کند^۱ (Vermeulen & Lievens, 2017: 175).

۲.۳. دنبال کردن یک هدف مشروع

پس از آنکه دادگاه اروپایی حقوق بشر به این نتیجه رسید که دخالتی که توسط دولت متعاقد در «زندگی خصوصی» شهروندان انجام گرفته، در انطباق با قانون داخلی آن کشور بوده است، در گام دوم به بررسی این موضوع خواهد پرداخت که آیا آن دولت از انجام آن مداخله هدف مشروعی را دنبال می‌کرده

۱. برای نمونه در دعوی «خان علیه پادشاهی متحده بریتانیا» دادگاه اروپایی حقوق بشر چنین حکم داد که استفاده از دستگاه شنود مخفی توسط مقامات انگلستان، شرط مطابقت با قانون در معنای موردنظر ماده ۸ کنوانسیون را برآورده نمی‌کند؛ چراکه هیچ مقررۀ قانونی برای نظام‌بخشی به استفاده از این دستگاه‌ها وجود ندارد و این دستگاه‌ها بر اساس دستورالعمل‌های وزارت امور داخلی اداره می‌شود که نه از نظر قانونی الزام‌آور بودند و نه به‌طور مستقیم در دسترس عموم قرار داشتند (Council of Europe, 2018: 18).

است یا خیر (Londras & Dzehtsiarou, 2018: 97). بررسی رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر نشان می‌دهد که در غالب موارد، دادگاه هدفی را که از سوی دولت مورد شکایت به‌عنوان هدف مشروع در جهت توجیه مداخله در «زندگی خصوصی» شهروند متقاضی عنوان شده است، مورد پذیرش قرار داده و به‌ندرت می‌توان موردی را پیدا کرد که این هدف مشروع از سوی دادگاه رد شده باشد.

بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، فهرستی از اهداف مشروعی را که دولت‌ها می‌توانند در پرتو داشتن این اهداف، دخالت خود را در «زندگی خصوصی» شهروندان توجیه کنند، برشمرده است. با وجود این دادگاه اروپایی حقوق بشر در رسیدگی به دعاوی به این لیست محدود نشده و در سایر مواردی نیز که دولتی جهت توجیه مداخله خود به هدف مشروعی استناد کرده که در این فهرست نیز قرار نگرفته است، استدلال آن دولت از سوی دادگاه پذیرفته شده است (Merrills & Fisher, 2013: 514). در ادامه به بررسی مصادیق اهداف مشروع مذکور در بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌پردازیم.

۳.۲.۱. امنیت ملی

معمولاً برای دولت‌ها آسان است که برای توجیه مداخله خود در «زندگی خصوصی» شهروندان، به موضوع لزوم مداخله به‌منظور حفظ «امنیت ملی» استناد کنند. اغلب دادگاه‌های داخلی نیز تمایل چندانی به اینکه دولت را در رابطه با اینکه آیا واقعاً چنین هدفی موجود بوده یا نه به چالش بکشند، ندارند. به هر روی این هدف بیشتر در موارد مربوط به محافظت از دولت در برابر خطرهای ناشی از رفتار دشمنان داخلی یا خارجی مانند براندازی دولت ملی یا حملات خشونت‌آمیز علیه نظام دموکراتیک استفاده شده است. این ضابطه همچنین در موارد معدودی برای توجیه جمع‌آوری محرمانه اطلاعات یا اقدامات نظارتی پنهانی علیه آن دسته از شهروندانی که از نظر دولت مورد شکایت در مظان ارتکاب اقدامات تروریستی یا مشارکت در اشکال پیچیده جاسوسی بوده‌اند، مورد استناد قرار گرفته است (Davis, 2016: 326).

۳.۲.۲. امنیت عمومی

این هدف به‌ندرت به‌تنهایی مورد استناد دولت‌ها قرار گرفته است و معمولاً در کنار سایر اهداف جهت توجیه مداخله در «زندگی خصوصی» شهروندان استفاده می‌شود. در معدود مواردی نیز که دولت‌ها به‌تنهایی به این هدف استناد کرده‌اند، دادگاه اروپایی حقوق بشر نشان داده که تمایل دارد به‌جای توجه به این هدف، به سایر اهداف مذکور در بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مانند امنیت ملی یا پیشگیری از جرم تکیه کند. از مواردی که این هدف مورد استناد دولت‌ها قرار گرفته است، می‌توان به

دعوای «مالاخوفسکی و پیکول علیه بلاروس»^۱ اشاره کرد. در این دعوا متقاضیان مدعی بودند که دولت بلاروس با مشروط کردن امکان ثبت نام آنها در یک انجمن مذهبی به اینکه آن انجمن باید محلی را برای گردهمایی‌ها تهیه کند که در آن محل مقررات استاندارد در رابطه با ایمنی در مقابل آتش سوزی موجود باشد، در «زندگی خصوصی» آنها مداخله کرده است. در مقابل دولت بلاروس هدف از این مداخله را تأمین امنیت عمومی عنوان کرد که از سوی دادگاه اروپایی حقوق بشر به عنوان هدف مشروع مورد پذیرش قرار گرفت (Conte, 2010: 304).

۳.۲.۳. رفاه اقتصادی

در بعضی موارد دولت‌ها هدف از مداخله خود در «زندگی خصوصی» شهروندان را تأمین منافع اقتصادی کشور عنوان می‌کنند. به عنوان مثال در دعوای «گیلو علیه پادشاهی متحده بریتانیا»^۲ متقاضی در شکایتی که مطرح کرده بود مدعی شده بود که دولت طرف شکایت به او اجازه ساخت خانه در منطقه مورد نظرش را نمی‌دهد و این مداخله در «زندگی خصوصی» او محسوب می‌شود. در مقابل دولت پاسخگو جهت توجیه این اقدام خود به سیاست‌های محدود کردن خانه‌سازی در منطقه مورد نظر متقاضی اشاره کرد و هدف از این کار را کنترل جمعیت در آن محدوده به گونه‌ای که بتواند توسعه اقتصادی متوازن در آن منطقه را مجاز سازد، عنوان کرد. این استدلال از سوی دادگاه اروپایی حقوق بشر پذیرفته شد (Rainey et al., 2017: 351).

البته باید توجه داشته باشیم که تفکیک بین منافع اقتصادی عمومی و منافع اقتصادی مربوط به بخش خصوصی همیشه به سادگی امکان پذیر نیست. به عنوان نمونه در دعوای «هاتون و دیگران علیه پادشاهی متحده بریتانیا»^۳ متقاضیان در شکایتی که مطرح کرده بودند مدعی شده بودند که افزایش تعداد پروازهای شبانه در فرودگاهی که نزدیک محل سکونت آنها قرار داشت و متعلق به بخش خصوصی بود، به ایجاد سروصدا و اخلال در آسایش و آرامش ایشان و در نتیجه نقض «زندگی خصوصی» آنها منجر شده است. در مقابل دولت پاسخگو مدعی شد این موضوع با پیامدهای اقتصادی مطلوب جمعی ناشی از سیستم حمل و نقل بهتر توجیه‌شدنی است. در نهایت دادگاه اروپایی حقوق بشر استدلال کرد که اگرچه باند فرودگاه و شبکه پرواز متعلق به بخش خصوصی بود، افزایش کارکرد این خطوط هوایی لزوماً و عمیقاً با منافع جمعی و عمومی در هم آمیخته بود. از این رو استدلال دولت پاسخگو را قابل قبول دانست (Baudet, 2012: 122).

1. Malakhovsky and Pikul v. Belarus
2. Gillow v. the United Kingdom
3. Hatton and Others v. the United Kingdom

۳.۲.۴. پیشگیری از بی‌نظمی یا جرم

بین دو مفهوم «بی‌نظمی» و «جرم» تفاوت وجود دارد. مقصود از «بی‌نظمی» شرایط هشداردهنده‌ای است که از رفتارهای فردی یا جمعی تهدیدکننده زندگی مسالمت‌آمیز اجتماعی ناشی می‌شود، بدون آنکه ضرورتاً از آن رفتارها در قانون جرم‌انگاری شده و برای آن مجازات تعیین شده باشد. اما مقصود از «جرم» رفتاری است که لزوماً در قانون به‌عنوان یک رفتار ممنوع شناخته شده و برای انجام آن مجازات تعیین شده باشد.

به هر روی دولت‌ها فقط زمانی می‌توانند جهت توجیه اقداماتی که مداخله در «زندگی خصوصی» شهروندان محسوب می‌شود به این هدف استناد کنند که هدف ایشان از آن اقدام منحصرأ «پیشگیری» از بی‌نظمی یا جرم باشد؛ به این معنا که دولت با آن اقدام کوشیده باشد تا از وقوع بی‌نظمی یا جرائم احتمالی جلوگیری به‌عمل آورد. بنابراین چنانچه بی‌نظمی یا جرمی واقع شود، دولت به‌منظور مقابله و پاسخ به آن نمی‌تواند به این هدف استناد کند. به‌عنوان مثال در دعوی «اس و مارپر علیه پادشاهی متحده بریتانیا»^۱ دادگاه اروپایی حقوق بشر استدلال کرد که سیستم جمع‌آوری نمونه DNA و اثر انگشت اشخاص فقط در صورتی مجاز است که به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات اشخاص خطرناک و در نظر گرفتن تدابیر نظارتی نسبت به ایشان جهت پیشگیری از ارتکاب بی‌نظمی یا جرم توسط آنها باشد. اما در صورتی که بی‌نظمی یا جرمی اتفاق افتاده باشد و سپس دولت بخواهد با استفاده از این سیستم به کشف جرم و مجازات مجرم بپردازد، دخالت در «زندگی خصوصی» شهروندان محسوب خواهد شد (Van Caeneghem, 2019: 226).

۳.۲.۵. حمایت از سلامت یا اخلاق

همانند مورد قبلی، این هدف نیز ترکیبی از دو منفعت مستقل است؛ با این توضیح که سلامت عمدتاً به حوزه مسائل فردی مربوط می‌شود، در حالی که اخلاق می‌تواند شامل معیارهای اخلاقی یک جامعه یا حساسیت نسبت به مقوله‌های اجتماعی خاص و به‌صورت ویژه مسائل مربوط به اخلاق جنسی باشد. با توجه به متغیر بودن مفاهیم اخلاقی در طول زمان و اینکه کشورها از اخلاق تعاریف متفاوت و بعضاً متعارضی دارند، دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز در تعریف مفهوم اخلاق و چگونگی حمایت از آن آرای متناقضی صادر کرده است. به‌عنوان نمونه در دعوی «دادگتون علیه پادشاهی متحده بریتانیا»^۲ دولت چنین استدلال کرد که هدف از جرم‌انگاری از روابط جنسی همراه با رضایت بین افراد همجنس، حمایت از اخلاقیات است. اما دادگاه این توجیه را نپذیرفت و این جرم‌انگاری را مداخله نامشروع در «زندگی

1. S. and Marper v. the United Kingdom

2. Dudgeon v. the United Kingdom

خصوصی» شهروندان دانست (Dickson, 2010: 297). در مقابل در پرونده «لاسکی، جگارد و براون علیه پادشاهی متحده بریتانیا»^۱ دادگاه اروپایی حقوق بشر به نتیجه متفاوتی رسید و استدلال دولت را که هدف از جرم‌انگاری از روابط جنسی همراه با فعالیت‌های سادومازوخیستی^۲ را حمایت از سلامت و ارزش‌های اخلاقی جامعه عنوان کرد، پذیرفت، بنابراین این جرم‌انگاری را مداخله نامشروع در «زندگی خصوصی» شهروندان تشخیص نداد (De Schutter, 2010: 438).

۳.۲.۶. حمایت از حقوق یا آزادی‌های دیگران

این هدف به‌طور معمول گستره وسیعی را در برمی‌گیرد و به‌صورت خیلی گسترده‌ای از سوی دولت‌ها برای توجیه مداخله در «زندگی خصوصی» شهروندان به‌کار گرفته می‌شود. یک نمونه مشهور از استفاده از این توجیه توسط دولت‌ها، دعوای «لیندون، لورنز و ژولی علیه فرانسه»^۳ است. در این دعوا نویسندگان و ناشران کتابی که در دادگاه‌های فرانسه به‌واسطه محتوای کتاب به افترا محکوم شده بودند، به این تصمیم دادگاه فرانسه اعتراض کردند و آن را در مداخله در «زندگی خصوصی» خود دانستند. این کتاب که بر مبنای رویدادهای واقعی نوشته شده بود، درخصوص داستان زندگی یک سرباز عضو حزب «جبهه ملی فرانسه»^۴ بود که اقدام به کشتن یک مرد جوان سیاه‌پوست اهل آفریقای شمالی کرده بود. رهبر وقت حزب جبهه ملی در فرانسه ضمن شکایت از ناشران و نویسندگان این کتاب، مدعی شد محتوای کتاب درصدد بی‌اعتبار کردن این حزب است. در پی این شکایت دادگاه‌های فرانسه حکم به محکومیت ناشران و نویسندگان به‌واسطه ایراد افترا و بدنام کردن حزب جبهه ملی صادر کردند که این تصمیم مورد اعتراض ایشان در دادگاه اروپایی حقوق بشر قرار گرفت. دادگاه حین رسیدگی به این پرونده ضمن پذیرش استدلال دولت فرانسه مبنی بر اینکه هدف از این تصمیم حمایت از حقوق دیگران بوده است، عنوان کرد که «حمایت از حقوق یا آزادی‌های دیگران» مذکور در بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون فقط شامل

1. Laskey, Jaggard and Brown v. the United Kingdom

۲. این ناپهنجاری به تعاملاتی گفته می‌شود که در آن یک شخص با آزار دادن فرد دیگری که از درد کشیدن و تحقیر شدن لذت می‌برد، ارضا می‌شود.

3. Lindon, Otchakovsky-Laurens and July v. France

۳. «جبهه ملی» یک حزب سیاسی محافظه‌کار اجتماعی و راست‌گرای فرانسوی است که از جمله سیاست‌های اصلی آن رویکرد بدون مداخلات در قبال مسائل مربوط به نظم و قانون و مخالفت با مهاجرت است. برای مطالعه بیشتر راجع به این حزب و سیاست‌های آن مراجعه کنید به:

Stockemer, Daniel, *The Front National in France: Continuity and Change Under Jean-Marie Le Pen and Marine Le Pen*, Springer, 2017

حقوق و آزادی‌های اشخاص حقیقی نمی‌شود، بلکه حمایت از حقوق و آزادی‌های اشخاص حقوقی از جمله سازمان‌ها و نهادها را نیز در برمی‌گیرد (Smarrt, 2017: 67).

۳.۳. ضرورت مداخله بر اساس معیارهای یک جامعه دموکراتیک

پس از آنکه احراز شد مداخله دولت متعاهد در «زندگی خصوصی» شهروندان در مطابقت با قانون بوده و هدف مشروعی را نیز دنبال می‌کرده است، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شرط سوم را نیز به‌منظور موجه بودن این مداخله پیش‌بینی کرده و آن شرط این است که بر اساس معیارها و ارزش‌های پذیرفته‌شده در یک جامعه دموکراتیک، چنین مداخله‌ای ضرورت داشته باشد. در مورد اینکه منظور از «ضرورت» چیست، دادگاه اروپایی حقوق بشر تعریف واضحی ارائه نکرده است و در عوض از یک مفهوم ترکیبی و متعادل برای رساندن معنای آن استفاده می‌کند. برای مثال دادگاه در دعوی «هندیسید علیه پادشاهی متحده بریتانیا»^۱ در خصوص مفهوم «ضرورت» چنین توضیح داد که:

«این عبارت مترادف با «واجب» نیست... در عین حال انعطاف‌پذیری عباراتی مانند «قابل قبول»، «معمولی»، «مفید»، «معقول» یا «مطلوب» را ندارد...» (Temperman and Others, 2019: 93).

همچنین دادگاه در دعوی «اولسن علیه سوئد»^۲ در توضیح مفهوم «ضرورت» چنین عنوان کرد که:

«مفهوم ضرورت به این معنی است که دخالت با یک نیاز فوری اجتماعی مطابقت دارد...» (Moeckli, 2016: 281).

بنابراین تفسیر بیش‌ازحد سخت‌گیرانه یا سخاوتمندانه از واژه «ضرورت» از سوی دادگاه اروپایی حقوق بشر رد شده است و در عوض دادگاه سیاست تناسب را در رابطه با معنای این عبارت دنبال می‌کند. همچنین باید توجه داشته باشیم که دادگاه اروپایی حقوق بشر نه تنها شرط ضرورت را برای توجیه آغاز مداخله در «زندگی خصوصی» شهروندان لازم می‌داند، بلکه بر این نکته تأکید می‌کند که این مداخله را فقط تا زمانی می‌توان ادامه داد که این ضرورت پابرجا باشد و هر زمان که این ضرورت منتفی شد، مداخله هم باید به پایان برسد. به‌عنوان نمونه در دعوی «لوردو علیه ایتالیا»^۳ متقاضی مدعی بود که حکم دادگاه کشور ایتالیا در رابطه با لزوم بررسی مکاتبات و نامه‌نگاری‌های وی با دیگران دخالت در «زندگی خصوصی» وی محسوب می‌شود (Reid, 2011: 507). دادگاه اروپایی حقوق بشر چنین

1. Handyside v. the United Kingdom

2. Olsson v. Sweden

3. Luordo v. Italy

استنباط کرد که اگرچه در زمان صدور این حکم شرط «ضرورت» به منظور تأمین منافع طلبکاران وی که یک تاجر ورشکسته بود، وجود داشته است، اما در زمان رسیدگی به این پرونده که بیش از چهارده سال از تاریخ صدور این حکم گذشته بود، دیگر چنین ضرورتی احساس نمی‌شد و بنابراین ادامهٔ مداخلهٔ دولت ایتالیا را نامشروع تشخیص داد.

۴. نتیجه

احترام به «زندگی خصوصی» یکی از حقوق اولیه و اساسی شهروندان در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود که اسناد بین‌المللی در صدد حمایت از این حق برآمده‌اند. اسناد مذکور زمانی که به مفهوم حریم خصوصی می‌پردازند، دو ویژگی مهم برای آن ذکر می‌کنند: نخست اینکه فرد شخصاً برای خود تصمیم‌گیری کند و دیگران حق بازخواست وی را به سبب تصمیمی که اتخاذ کرده است، نداشته باشند؛ دوم آنکه جز در موارد استثنائی که آن هم نیاز به احراز شرایط و مجوزهای خاص دارد، سایر افراد و دولت‌ها حق ورود و مداخله در این حوزه را ندارند. با وجود این اگرچه رعایت حریم خصوصی افراد به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر پذیرفته شده است، ولی گاه تأمین منافع جامعه چنین اقتضاء دارد که دولت‌ها به مداخله در آن چه از آن به‌عنوان حریم خصوصی نام برده می‌شود، بپردازند. بدیهی است که تعیین شرایط لازم برای این مداخله و مشخص کردن حد و مرزهای آن برای ایجاد توازن منطقی بین این دو موضوع از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. به همین دلیل نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف، در زمینهٔ این شرایط صحبت کرده‌اند.

در این میان کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز به‌عنوان یکی از اسناد پیشرو در مباحث حقوق بشری به این موضوع پرداخته است. «زندگی خصوصی» از نظر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مفهومی گسترده بوده که ابعاد گوناگونی را در برمی‌گیرد و شامل حق توسعهٔ روابط با دیگران و جهان خارج است و متناسب با تغییر و تحولات فرهنگی و اجتماعی در کشورهای عضو این کنوانسیون، امکان به‌روزرسانی آن وجود دارد.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به‌صورت ویژه در مادهٔ ۸ به موضوع «زندگی خصوصی» در دو بند می‌پردازد. در بند ۱ لزوم احترام به «زندگی خصوصی» شهروندان توسط دولت‌های متعاقد مورد تأکید قرار گرفته است و در بند ۲ ضمن پذیرش امکان مداخلهٔ دولت‌ها در «زندگی خصوصی» شهروندان، شرایط و اقتضائاتی برای مشروعیت این مداخله در نظر گرفته شده است.

از نظر کنوانسیون مداخلهٔ یک دولت در «زندگی خصوصی» شهروندان فقط زمانی موجه است که سه شرط در آن رعایت شده باشد: شرط اول لزوم انطباق با قوانین داخلی است؛ به این معنا که لازم است مقررهٔ قانونی در آن کشور وجود داشته باشد که چنین مداخله‌ای را اجازه دهد. از نظر دادگاه اروپایی

حقوق بشر، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌هایی که عموم شهروندان به آنها دسترسی ندارند، نمی‌تواند مبنای قانونی لازم را برای تأمین شرط انطباق با قانون فراهم آورد.

شرط دوم آن است که دولت متعهد از انجام آن مداخله در زندگی خصوصی شهروندان هدف مشروعی را دنبال کند. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در بند ۲ ماده ۸ فهرستی از این اهداف مشروع را احصا کرده است که شامل مواردی نظیر تأمین امنیت ملی، تأمین امنیت عمومی، ایجاد رفاه اقتصادی، پیشگیری از بی‌نظمی و جرم، حمایت از سلامت و اخلاق و حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران است. با وجود این مصادیق اهداف مشروع مذکور در بند ۲ ماده ۸ از باب تمثیل بوده و در مواردی که دولت‌ها برای توجیه مداخله خود در «زندگی خصوصی» شهروندان به دلایل دیگری نیز استناد کرده‌اند، از سوی دادگاه اروپایی حقوق بشر پذیرفته شده است.

در نهایت به‌عنوان شرط سوم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دخالت دولت‌ها در «زندگی خصوصی» شهروندان را فقط زمانی موجه می‌داند که بنا بر معیارهای یک جامعه دموکراتیک چنین مداخله‌ای ضرورت داشته باشد؛ به این معنا که یک نیاز فوری اجتماعی را برآورده کند. بررسی رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر نشان می‌دهد که این دادگاه در مواردی که مداخله دولت متعهد در «زندگی خصوصی» شهروندان مدتی طول بکشد، تداوم احراز شرط ضرورت را لازم می‌داند و هر زمان که این ضرورت منتفی شود، ادامه مداخله را نامشروع تلقی می‌کند.

منابع

۱. فارسی

الف) مقالات

۱. احمدی‌نژاد، مریم و امین‌الرعا، یاسر (۱۳۹۵). دکترین صلاحدید و منافع ملی دولت‌های عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر. *فصلنامه مطالعات کاربردی*، ۷۱، ۹۳-۱۱۸.
۲. شریف طرازکوهی، حسین و مبینی، جواد (۱۳۹۳). دکترین حاشیه مجاز تفسیر در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر. *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ۴۴، ۷۳-۱۰۳.
۳. محسنی، فرید و میرعماد، محمدحسین (۱۳۹۸). مبانی و استثنائات حریم خصوصی در اسلام و حقوق ایران از دیدگاه حقوق عمومی. *دو فصلنامه علمی آموزه‌های حقوقی گواه*، ۲، ۲۵۱-۲۷۶.
۴. همتی، مرضیه (۱۳۹۰). اتانازی از منظر اخلاق و حقوق بشر. *مجله کانون وکلا*، ۲۱۲، ۱۵۹-۱۸۰.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Akrivopoulou, C., & Psygkas, A. (2010). *Personal Data Privacy and Protection in a Surveillance Era: Technologies and Practices: Technologies and Practices*. IGI Global.
2. Ashworth, Andrew, Zender, Lucia (2014). *Preventive Justice*. Oxford University Press.
3. Baudet, T. (2012). *The Significance of Borders: Why Representative Government and the Rule of Law Require Nation States*. Martinus Nijhoff Publishers.
4. Birks, D., & Douglas, T. (2018). *Treatment for Crime: Philosophical Essays on Neurointerventions in Criminal Justice*. Oxford University Press.
5. Brems, E. (2012). *Diversity and European Human Rights: Rewriting Judgments of the ECHR*. Cambridge University Press.
6. Conte, A. (2010). *Human Rights in the Prevention and Punishment of Terrorism: Commonwealth Approaches: The United Kingdom, Canada, Australia and New Zealand*. Springer Science & Business Media.
7. Council of Europe (2018). *The administration and you – A handbook: Principles of administrative law concerning relations between individuals and public authorities*. Council of Europe.
8. Davis, H. (2016). *Human Rights Law Directions*. Oxford University Press.
9. De schutter, O. (2010). *International Human Rights Law: Cases, Materials, Commentary*. Cambridge University Press.
10. Dickson, B. (2010). *The European Convention on Human Rights and the Conflict in Northern Ireland*. OUP Oxford.
11. Gerards, J. (2019). *General Principles of the European Convention on Human Rights*. Cambridge University Press.
12. Harris, S., & Miles, J. (2011). *Family Law: Text, Cases, and Materials*. OUP Oxford.
13. Herring, J. (2020). *Medical Law and Ethics*. Oxford University Press
14. Kilkelly, Ursula (2017). *The Child and the European Convention on Human Rights: Second Edition*. Taylor & Francis.
15. Londras, F., & Dzehtsiarou, K. (2018). *Great Debates on the European Convention on Human Rights*. Macmillan International Higher Education.
16. Marshall, Jill (2014). *Human Rights Law and Personal Identity*. Routledge.
17. Merrills, J., & Fisher, J. (2013). *Pharmacy Law and Practice*. Academic Press.
18. Moeckli, D. (2016). *Exclusion from Public Space: A Comparative Constitutional Analysis*. Cambridge University Press.
19. Mole, N. (2007). *Asylum and the European Convention on Human Rights*. Council of Europe.
20. M.Scherpe, J. (2016). *European Family Law Volume II: The Changing Concept of 'Family' and Challenges for Domestic Family Law*. Edward Elgar Publishing.
21. Puppink, G. (2017). *Conscientious Objection and Human Rights: A Systematic Analysis*. BRILL.
22. Rainey, B., Wicks, E., & Ovey, C. (2017). *Jacobs, White, and Ovey: The European Convention on Human Rights*, Oxford University Press.

23. Reid, K.A. (2011). *A Practitioner's Guide to the European Convention on Human Rights*. Sweet & Maxwell.
24. Scholtz, W. (2019). *Animal Welfare and International Environmental Law*. Edward Elgar Publishing.
25. Smartt, U. (2017). *Media & Entertainment Law*. Taylor & Francis
26. Stockemer, D. (2017). *The Front National in France: Continuity and Change Under Jean-Marie Le Pen and Marine Le Pen*. Springer.
27. Temperman, J., Gunn, T. J., & Evans, M. (2019). *The European Court of Human Rights and the Freedom of Religion or Belief*. BRILL.
28. Van Caeneghem, Jozefien (2019). *Legal Aspects of Ethnic Data Collection and Positive Action: The Roma Minority in Europe*, Springer Nature.
29. Vermeulen, G., & Lievens, E. (2017). *Data Protection and Privacy Under Pressure: Transatlantic tensions, EU surveillance, and big data*, Maklu.

B) Cases

30. *Burghartz v. Switzerland*, Appl. No 16213/90, 22 February 1994.
31. *Cosrello-Roberts v. the United Kingdom*, Appl. No 13134/87, 25 March 1993.
32. *Dudgeon v. the United Kingdom*, Appl. No 7525/76, 22 October 1981.
33. *Friend and Countryside Alliance and Others v. the United Kingdom*, Appl. Nos 16072/06 and 27809/08, 24 November 2009.
34. *Georgi Nikolaishvili v. Georgia*, Appl. No 37084/04, 13 January 2009.
35. *Gillow v. the United Kingdom*, Appl. No 9063/80, 24 November 1986.
36. *Guillot v. France*, Appl. No 22500/93, 24 October 1996.
37. *Handyside v. the United Kingdom*, Appl. No 5493/72, 7 December 1976.
38. *Hatton and others v. the United Kingdom*, Appl. No 36022/97, 8 July 2003.
39. *Herczegfalvy v. Austria*, Appl. No 10533/83, 24 September 1992.
40. *Khan v. the United Kingdom*, Appl. No 35394/97, 12 May 2000.
41. *Laskey, Jaggard and Brown v. the United Kingdom*, Appl. Nos 21627/93, 21826/93 and 21974/93, 18 January 1995.
42. *Lindon, Otchakovsky-Laurens and July v. France*, Appl. Nos 21279/02 and 36448/02, 22 October 2007.
43. *Luordo v. Italy*, Appl. No 32190/96, 17 July 2003.
44. *Malakhovsky and Pikul v. Belarus*, Appl. No 1207/2003, 26 July 2005.
45. *Niemietz v. Germany*, Appl. No 13710/88, 16 December 1992.
46. *Olsson v. Sweden*, Appl. No 10465/83, 24 March 1988.
47. *Peters v. the Netherlands*, Appl. No 21132/93, 6 April 1994.
48. *Pretty v. the United Kingdom*, Appl. No 2346/02, 29 April 2002.
49. *S. and Marper v. the United Kingdom*, Appl. Nos 30562/04 and 30566/04, 4 December 2008.
50. *Salveti v. Italy*, Appl. No 42197/98, 9 July 2002.
51. *Van Kuck v. Germany*, Appl. No 35968/97, 12 June 2003.

References In Persian:

A) Articles

1. Ahmadinejad, M., & Aminaorroaya, Y. (2016). Doctrine of Margin of Appreciation in Meeting National Interests of Member States of the European Convention on Human Rights. *Strategic Studies Quarterly*, 71, 93-118 (In Persian).
2. Hemati, M. (2011), Euthanasia from the perspective of ethics and human rights. *Journal of the Bar Association*, 212, 159-180 (In Persian).
3. Mohseni, F. & Miremad, M. H. (2018). The Bases and Exceptions of Privacy in Islam and Law of Iran from the Public Law Point of View. *Legal Educations Govah Bi-quarterly Journal*, 2, 251-276 (In Persian).
4. Sharifi Tarazkoohi, H., & Mobini, J.(2015). The Application of the Margin of Appreciation Doctrine in the Jurisprudence of the European Court of Human Rights. *Public Law Research*, 44, 73-103 (In Persian).